

ژنرال مک کری  
در گزارش  
محرمانه خود به  
پنتاگون: پلیس  
افغانستان را  
نفرت‌انگیز،  
بی‌ارزش، سرشار از  
بی‌لیاقتی، آموزش  
بد، فساد و گنج از  
مصرف مواد مخدر  
است

## فصل هفتم بازی دوسره

در همه سال‌های جنگ، عمده تحرکات تروریست‌ها در مرز پاکستان با افغانستان بود. موضع پاکستان در جنگ سؤال لاینحلی بود. آوریل ۲۰۰۳ شب تلخی برای نیروهای امریکایی پایگاه شکین در مرز پاکستان بود. با شبیخون القاعده، تعدادی از نیروهای امریکایی این پایگاه کشته و زخمی شدند. بعد از این اتفاق، شورشیان بازم در این منطقه از نیروهای امریکایی قربانی گرفتند؛ اتفاقی که سوءظن‌ها درباره نقش پاکستان در شورش‌های مرزی را تشدید کرد.

پس از حادثه یازده سپتامبر با فشار جدی امریکا، پرویز مشرف، رئیس‌جمهور پاکستان روابط خود را با طالبان قطع کرد و دوره‌ای از همکاری جدی پاکستان و امریکا آغاز شد. مشرف توانست اعتماد بوش و رامسفلد را به صورت جدی جلب کند. او در مقابل دریافت سالی یک میلیارد دلار از دولت امریکا، تعدادی از اعضای القاعده و طالبان را تحویل امریکا داد و اینگونه با دودوزه بازی، امریکا را دور زد و تلکه کرد.

ارتش پاکستان و سرویس اطلاعاتی قدرتمند آنها (I.S.I)، سابقه‌ای جدی در حمایت از شورشیان افغان داشتند. این دخالت‌ها از دوره حمله شوروی به افغانستان و با همکاری سیا آغاز شد ولی همواره ادامه یافت. مشرف از طرفی نمی‌خواست حمایت‌های امریکا را از دست بدهد و از طرف دیگر سرویس اطلاعاتی پاکستان از طالبان برای اثرگذاری روی افغانستان استفاده می‌کرد. به این دلیل که طالبان، پشتون بودند و با ۲۸ میلیون پشتون پاکستانی رابطه فرهنگی، مذهبی و اقتصادی داشتند و از طرفی ائتلاف شمال با هند، رقیب پاکستان ارتباط تنگاتنگ داشت.

ظاهرسازی پاکستانی‌ها خیلی قوی بود. در مقابل تیپ و مواجهه افغانستانی‌ها، آنها شیک، باکلاس و با لهجه قوی بودند و توانایی ارتباط‌گیری بالایی داشتند، لذا توانستند با این مواجهه، روایت‌هایی را که علیه آنها بود منکوب کنند و دل امریکایی‌ها را به دست بیاورند. مشرف توانسته بود اعتماد بوش و رامسفلد را جلب کند. در سال ۲۰۰۶ گزارش محرمانه‌ای از ژنرال استرمکی که به تازگی از سفر بازرسی خود به افغانستان بازگشته بود به دست رامسفلد رسید: «طالبان از ۲۰۰۲ در پاکستان مخفیگاه دارد و امکان استخدام، آموزش، تأمین مالی و تدارک تجهیزات و امکان نفوذ از مرزها برایش فراهم است. سرویس آی. اس. آی از بعضی فعالیت‌های طالبان حمایت می‌کند.» البته این گزارش نتوانست نظر رامسفلد را تغییر بدهد.

### ● بخش سوم: طالبان باز می‌گردد (۲۰۰۸-۲۰۰۶)

## فصل هشتم دروغ‌ها و چرخش

صبح روز ۲۷ فوریه ۲۰۰۷ یک ماشین انتحاری در گیت بازرسی پایگاه بگرام منفجر شد. طالبان اعلام کرد هدف، دیک چینی، معاون بوش بوده است. امریکایی‌ها این مسأله را تکذیب کردند، اما مصاحبه با فرمانده تأمین امنیت بگرام نشان می‌دهد سفر محرمانه معاون رئیس‌جمهور لو رفته بود و این مسأله می‌توانست یک تهدید واقعی باشد، آن‌هم توسط شورشیانی که قرار بود سرکوب و ضعیف شوند.

برای ارتش امریکا و ناتو، سال ۲۰۰۶ سال سختی بود. حملات انتحاری نسبت به سال قبل ۵ برابر و تعداد بمب‌های کنار جاده‌ای ۲ برابر شده بود. این رزم‌شیوه شورشی که از عراق وارد